

امکان گفتمان سازی هویت زن در قرآن؛ رویکردی بیناگفتمانی و تحلیل انتقادی

زهرا روح الهی امیری^۱

سید مهدی حسینی^۲

زهرة باقریان^۳

چکیده

این مقاله، به تحلیل گفتمان سازی هویت زن در قرآن از طریق به کارگیری رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) می پردازد. مسئله اصلی این پژوهش، با تمرکز بر مفاهیم میان رشته ای و بهره گیری از نظریه های گفتمان پژوهانی نظیر نورمن فرکلاف، به بررسی نقش گفتمان قرآنی در بازتعریف و اصلاح نگرش های جاهلی نسبت به زنان اختصاص دارد. در این مطالعه، از روش سه مرحله ای فرکلاف (توصیف، تفسیر و تبیین) برای تحلیل متون قرآنی بهره گرفته شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که قرآن با تأکید بر اصولی همچون عدالت جنسیتی و کرامت انسانی، گفتمان نابرابر و تبعیض آمیز پیشااسلامی را مردود شمرده و با برجسته سازی مفاهیمی نظیر برابری زن و مرد در خلقت، حقوق و مسئولیت ها، گفتمانی نوین ارائه کرده است. علاوه بر این، در گفتمان قرآنی، نقش زنان در تشکیل خانواده، استقلال اقتصادی و مشارکت اجتماعی، به طور ویژه مورد تأکید قرار گرفته است. این گفتمان قرآنی، نه تنها ساختارهای قدرت مردسالارانه را نقد می کند، بلکه نظام ارزشی جدیدی مبتنی بر عدالت و برابری میان زن و مرد ارائه می دهد که همواره در تضاد و تقابل با گفتمان های جاهلی و پیشااسلامی بوده است. به عنوان نتیجه، قرآن با خلق نظام معنایی منحصربه فرد خود، به طور مستقیم زمینه ساز تغییرات عمیق اجتماعی در نگرش های فرهنگی و هویتی زنان در جامعه اسلامی شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، تحلیل گفتمان، هویت زن، گفتمان سازی، مطالعات قرآنی.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه باقر العلوم ☞، قم، ایران، (نویسنده مسئول)؛ z.rooholahiamiri@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم ☞، قم، ایران؛ hoseini.sm60@gmail.com

۳. هیئت علمی پژوهشکده زن و خانواده، قم، ایران؛ qom.1400@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

۱. مقدمه

تحلیل گفتمان، به عنوان رویکردی نوین و میان رشته‌ای، در دهه‌های اخیر در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. این روش، در سیاست، جامعه‌شناسی، فلسفه، ادبیات، روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات فرهنگی به کار گرفته شده است و در تحلیل متون دینی، به ویژه قرآن کریم، ابزار پژوهشی ارزشمندی به شمار می‌رود. گفتمان، به مثابه فعالیتی اجتماعی، متناسب با شرایط زمانی و مکانی، معانی خاصی ایجاد کرده و در تثبیت یا تغییر ساختارهای اجتماعی و معنایی جوامع، دارای نقش بسزایی است.

فرکلاف گفتمان را کنشی اجتماعی می‌داند که می‌تواند وضعیت موجود را حفظ یا دگرگون کند. وی آن را ابزاری مؤثر برای انتقال ایدئولوژی و برانگیختن احساسات می‌خواند (Fairclough, 1989, p27). ون دایک نیز بر نقش گفتمان در ارائه ایدئولوژی‌ها و تأثیر آن بر نگرش‌های اجتماعی تأکید دارد و آن را ابزاری برای اقناع ایدئولوژیک معرفی می‌کند (Van Dijk, 1995, p17). گانتز کرس و رابرت هاج نیز گفتمان را وسیله‌ای برای تثبیت یا تغییر روابط قدرت و نهادینه‌سازی ارزش‌های فرهنگی می‌دانند (Kress & Hodge, 1979, pp6-9).

براین اساس، گفتمان، فراتر از ابزار انتقال پیام و منطق، وسیله‌ای برای برانگیختن احساسات و تثبیت فرهنگ‌هاست. در متون دینی، به ویژه قرآن کریم، این جنبه گفتمان‌سازی، بسیار برجسته است. قرآن با ساختارهای معنایی خاص خود، ارزش‌ها و هنجارهای دوران جاهلی را نقد و اصلاح کرده و اصولی مانند عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و هویت‌سازی زنان را در قالب گفتمان‌های نوین مطرح نموده است. تحلیل گفتمان، با توجه به ارتباط زبان، قدرت و ایدئولوژی، به کشف معانی پنهان اجتماعی و معنوی در متن قرآن کمک می‌کند.

این پژوهش با هدف بررسی کاربرد تحلیل گفتمان در مطالعات قرآنی و بازنمایی هویت زن، سه هدف اصلی را دنبال می‌کند: الف) تعریف مفهوم گفتمان و ویژگی‌های آن بر اساس نظریات علمی؛ ب) تحلیل ابزارها و روش‌های گفتمان‌سازی در قرآن؛ ج) بررسی تأثیر گفتمان قرآنی بر نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی از منظر بیناگفتمانی و انتقادی. این مقاله استدلال می‌کند که قرآن، با بهره‌گیری از گفتمان‌سازی، بستری برای تغییر نگرش‌ها و تثبیت فرهنگ‌های جدید ایجاد نموده و در شکل‌دهی جوامع اسلامی نقش اساسی ایفا کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مرتبط با تحلیل گفتمان انتقادی، از غرب آغاز شده و در این زمینه آثار متعددی منتشر گردیده است. از میان نظریه‌پردازان برجسته این حوزه می‌توان به فاوولر، فرکلاف، وداک، وان دایک، کرس و ون لیوون اشاره کرد. یکی از آثار شاخص و تأثیرگذار در این زمینه، کتاب زبان و کنترل اثر فاوولر و همکارانش (۱۹۷۹) است. همچنین پژوهش فرکلاف (۱۹۸۹) با عنوان زبان و قدرت، که یکی از منابع کلیدی این حوزه به شمار می‌رود، موضوعاتی همچون تحلیل گفتمان انتقادی در عمل، شامل سطوح توصیف، تفسیر، تبیین و همچنین نقش تحلیل‌گر را بررسی کرده است.

کتاب دیگر فرکلاف (۱۹۹۵) با عنوان تحلیل گفتمان انتقادی، به مباحثی همچون زبان و ایدئولوژی، بازنمایی گفتمان در رسانه‌ها، اهداف انتقادی و توصیفی در تحلیل گفتمان، و تحلیل‌های بینامتنی و زبان‌شناختی می‌پردازد. همچنین اثر فرکلاف (۲۰۱۰)، که نسخه بازبینی شده و توسعه یافته‌ای از کتاب‌های پیشین اوست، شامل ۲۳ مقاله در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است که در فاصله زمانی ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۸ تألیف شده‌اند.

وان دایک نیز با آثار متعددی در این حوزه شناخته می‌شود که از جمله آنها می‌توان به مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی» (۲۰۰۱) اشاره کرد. ریچاردسون (۲۰۰۷) نیز در کتاب تحلیل روزنامه‌ها: رویکردی از تحلیل گفتمان انتقادی، واردو جانسون (۲۰۰۸) و همچنین ماریان یورگنسن و لوئیز فیلیپس در کتاب تحلیل گفتمان: نظریه و روش (۲۰۰۲)، از دیگر پژوهشگران برجسته این حوزه هستند. در ایران نیز پژوهشگرانی چون سیدمحمد دبیرمقدم (زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، ۱۳۷۸)، لطف‌الله یارمحمدی (تحلیل گفتمان: رویکردها و نظریه‌ها، ۱۳۸۵ و گفتمان و جامعه: مبانی و کاربردها، ۱۳۸۷)، فردوس آقاگل‌زاده (تحلیل گفتمان انتقادی: مبانی و کاربردها، ۱۳۸۳؛ گفتمان و ایدئولوژی در رسانه‌ها، ۱۳۸۵؛ روش‌های تحلیل گفتمان، ۱۳۸۶ و گفتمان‌شناسی و نقد ادبی، ۱۳۸۹)، سیدعلی اصغر سلطانی (تحلیل گفتمان و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷) و حسن بشیر (تحلیل گفتمان دینی، ۱۳۹۷ و روش عملیاتی تحلیل گفتمان، ۱۳۹۹) در این زمینه فعالیت داشته‌اند. علاوه بر این، پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوانی با استفاده از رویکردهای متنوع تحلیل گفتمان انتقادی تألیف شده است.

در بخش دیگری از این نوشتار که به موضوع زن پرداخته شده است، آثار برجسته‌ای همچون

قرآن و مسئله زن (مهدی مهریزی، ۱۳۹۳)، زن در قرآن (هاله حسینی اکبرنژاد و زهرا شوشتری، ۱۳۹۴)، زن در قرآن (حسین بستان و رضا دهقان‌نژاد، ۱۳۹۷) و زن در قرآن (سیدمحمدحسین طباطبائی، ۱۴۰۲) به چشم می‌خورد. همچنین پایان‌نامه‌ها و مقالات ارزشمندی در این زمینه تدوین گردیده است. آنچه پژوهش حاضر را از آثار دیگر متمایز می‌کند، دو ویژگی اساسی است: نخست، بررسی زن در قرآن بر اساس مسئله هویت؛ و دوم، استفاده از نظریه تحلیل گفتمان باتکیه بر مدل سه بعدی فرکلاف و مفصل‌بندی لاکلائو و موفه، که آن را از سایر آثار مرتبط با موضوع زن متمایز می‌سازد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. تحلیل گفتمان انتقادی

تحولات زبان‌شناسی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، رویکردهای جدیدی را در تحلیل زبان ایجاد کرد که به بررسی پیوند میان زبان، قدرت، ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی پرداختند. این تغییرات موجب گسترش ظرفیت‌های تحلیل گفتمان شد. به عنوان مثال، زبان‌شناسان مکتب نقش‌گرای هلیدی، مانند کرس و هاج، زبان را نه تنها ابزاری برای انتقال معنا، بلکه به عنوان سازوکاری اجتماعی و ایدئولوژیک برای ساخت و بازتولید روابط قدرت می‌دیدند (Kress & Hodge, 1979, pp6-9). در همین زمان، جریان‌های موازی دیگری نیز شکل گرفتند. نورمن فرکلاف، با پایه‌گذاری تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) در دانشگاه لنکستر بریتانیا، گفتمان را به مثابه کردار اجتماعی بررسی کرد که از ساختارهای اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌پذیرد (Fairclough, 1989, p27). همچنین، تئون ون دایک با استفاده از رویکردی اجتماعی-شناختی، به تحلیل ارتباط میان گفتمان، شناخت و اجتماع پرداخت و در این زمینه، گفتمان را ابزاری برای بازتولید ایدئولوژی‌ها دانست (Van Dijk, 1995, pp17-33). این سه جریان، چهارچوب نظری و روش‌شناختی تحلیل گفتمان انتقادی را شکل داده‌اند.

الگوی سه‌لایه‌ای فرکلاف

نورمن فرکلاف گفتمان را به عنوان یک کنش اجتماعی تعریف می‌کند و تحلیل گفتمان را در سه مرحله اساسی توضیح می‌دهد:

الف) تحلیل متن: در این مرحله، واژگان، ساختارهای نحوی و جنبه‌های بلاغی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب) تحلیل کردار گفتمانی: این مرحله، بر چگونگی تولید، توزیع و مصرف گفتمان متمرکز است.
 ج) تحلیل کردار اجتماعی: در این سطح، تأثیر گفتمان بر ساختارهای اجتماعی و نحوه بازتولید روابط قدرت، تحلیل می‌شود (Fairclough, 1989, p27; Fairclough, 1995, pp56-58).
 این مدل، زبان را نه صرفاً به عنوان ابزار انتقال معنا، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای تعامل با ساختارهای اجتماعی و قدرت معرفی می‌کند. فرکلاف تأکید دارد که زبان می‌تواند در بازتولید یا تغییر این ساختارها نقش کلیدی ایفا کند (Fairclough, 1995, p57).

۳-۲. کاربرد تحلیل گفتمان در متون دینی

تحلیل گفتمان، به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای، ابزار مناسبی برای بررسی عمیق‌تر مسائل و مفاهیم موجود در متون دینی، از جمله قرآن کریم را فراهم می‌آورد. این رویکرد، با کشف معانی پنهان و ارزیابی ساختارهای اجتماعی متن، به فهم اهداف و پیام‌های آن کمک می‌کند. متونی مانند قرآن که برای اصلاحات اجتماعی و فرهنگی نازل شده‌اند، از طریق تحلیل گفتمان می‌توانند پیام‌های خود را بازنمایی و ارزیابی کنند.

تئون ون دایک بر این باور است که تحلیل گفتمان باید به مسائل اجتماعی معاصر، نظیر تبعیض‌های جنسیتی، قومی، طبقاتی و زبانی بپردازد و این نابرابری‌ها را نقد کند (ون دایک، ۱۳۸۲، ص ۵۴). همچنین این رویکرد، فراتر از عناصر زبانی و نحوی، به عوامل موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی توجه دارد که در شکل‌دهی به معنای متن اثرگذار هستند (بهرام‌پور، ۱۳۷۹، ص ۸). قرآن کریم نیز با هدف اصلاح نگرش‌ها و هنجارهای اجتماعی، به بازتعریف مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی و کرامت انسانی می‌پردازد. تحلیل گفتمان انتقادی، با بررسی ایدئولوژی‌های پنهان و روابط قدرت، تأثیر متون دینی بر جامعه و فرهنگ را آشکار می‌سازد (Van Dijk, 1995, p17).

کاربست تحلیل گفتمان در قرآن

تحلیل گفتمان، با تمرکز بر روابط میان زبان، معنا، و زمینه‌های اجتماعی چهارچوبی ارزشمند برای مطالعه قرآن کریم به عنوان متنی الهی فراهم می‌کند. هر سوره قرآن با اهدافی خاص نازل شده است. اغراض و مقاصدی که از هر سوره به دست می‌آید مختلف است و هر سوره‌ای غرضی خاص و معنای مخصوصی را ایفا می‌کند، غرضی که تا سوره تمام نشود آن غرض نیز تمام نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۶) که این امر، تحلیل گفتمان را به ابزاری کارآمد برای کشف مقاصد قرآنی تبدیل می‌کند.

در تحلیل گفتمان انتقادی، ایدئولوژی به معنای نظامی از باورها، ارزش‌ها و ایده‌هایی است که از طریق گفتمان بازنمایی می‌شود و بر روابط قدرت در جامعه تأثیر می‌گذارد (Fairclough, 1995; Van Dijk, 1998). این مفهوم ذاتاً نه منفی است و نه مثبت؛ بلکه به زمینه و اهداف گفتمان بستگی دارد. قرآن به عنوان یک متن الهی، نظامی ارزش‌محور و عدالت‌گرا ارائه می‌دهد که در تضاد با ایدئولوژی‌های جاهلی قرار دارد. از این منظر، می‌توان گفتمان قرآنی را نه به عنوان یک ایدئولوژی انسانی، بلکه به عنوان نقدی بر ایدئولوژی‌های ناعادلانه جاهلی و جایگزینی عادلانه برای آنها در نظر گرفت. این گفتمان الهی، با تأکید بر کرامت انسانی و رفع تبعیض، نظام ارزشی جدیدی را معرفی می‌کند که روابط اجتماعی را اصلاح می‌نماید و ساختارهای نابرابر را به چالش می‌کشد.

با این حال، ویژگی‌های منحصربه‌فرد قرآن، نیازمند بازبینی پیش‌فرض‌ها و ابزارهای تحلیل گفتمان است. درحالی‌که اصول متداول این رویکرد، نظیر بررسی قدرت و ایدئولوژی بر متون انسانی متمرکز است، تحلیل قرآن باید فراتر از این چهارچوب عمل کند. تحلیلگر باید تمرکز خود را بر کشف معانی الهی، اصول اخلاقی و ارزش‌های اجتماعی معطوف کند و به جای بررسی روابط قدرت، بازنمایی رفتارها و اهداف والای قرآن را مد نظر قرار دهد. این موضوع، نیازمند استفاده از ابزارهای تحلیلی با دقت و حساسیت بالا برای رعایت ماهیت الهی این متن مقدس است.

۴. یافته‌ها و بحث

مراحل تحلیل گفتمان آیات قرآنی مرتبط با هویت زن عبارت‌اند از:

۴-۱. مرحله اول: توصیف

در مدل تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف، مرحله «توصیف»^۱ به تحلیل ویژگی‌های زبانی متن با دقت بالا اختصاص دارد. این مرحله شامل بررسی عناصر زبانی نظیر واژگان، ساختارهای نحوی، انسجام متنی و ابزارهای بلاغی است. به گفته فرکلاف (۱۹۹۵)، این مرحله، نخستین گام در کشف چگونگی بازنمایی ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت در متن است.

الف) ویژگی‌های واژگانی: انتخاب واژگان در متن می‌تواند سطح رسمی یا غیررسمی، معانی صریح یا ضمنی، و بار ایدئولوژیک آن را نشان دهد. تحلیل این ویژگی‌ها به فهم نحوه ارائه موضوعات متن و تأثیر آن بر مخاطب کمک می‌کند. به عنوان مثال، کلمات انتخاب شده در رسانه‌ها می‌توانند

1. Description

نگرش مخاطبان را شکل دهند و دیدگاهی خاص را برجسته کنند (Fairclough, 2001, p26).

ب) ویژگی‌های دستوری: ساختارهای دستوری و نحوی، نقش مهمی در ایجاد معنا ایفا می‌کنند. این ویژگی‌ها شامل حالت‌های خبری، سؤال یا دستوری، زمان افعال و ساختارهای معلوم و مجهول است. برای مثال، استفاده از جملات مجهول می‌تواند برای پنهان کردن مسئولیت در متون رسمی به کار رود (Simpson, 1993, p45). همچنین ساختارهای نحوی پیچیده می‌توانند ایده‌های خاصی را برجسته کنند یا عناصر دیگری را حذف نمایند (Van Dijk, 1997, p32).

ج) انسجام متنی: انسجام، به ارتباط منطقی میان بخش‌های مختلف متن از طریق ضمایر، ارجاعات و حروف ربط اشاره دارد. این ویژگی، فهم متن را تسهیل می‌کند. هالیدی و حسن بیان می‌کنند که انسجام، از طریق ابزارهای زبانی، به ایجاد پیوستگی معنایی در متن کمک می‌کند (Halliday & Hasan, 1976, p.39).

د) ساختار بلاغی: استفاده از ابزارهای بلاغی نظیر استعاره، کنایه و تشبیه می‌تواند پیام متن را تقویت کند و احساسات مخاطب را برانگیزد. برای نمونه، متون رسانه‌ای، اغلب از ابزارهای بلاغی برای تأکید بر یک دیدگاه خاص بهره می‌برند (Fowler, 1996, p51).

ه) تصاویر بلاغی: تصاویر بلاغی، از طریق استفاده از استعاره، تشبیه و زبان توصیفی، تصاویر ذهنی در مخاطب ایجاد می‌کنند و تأثیرات عاطفی متن را افزایش می‌دهند. این ویژگی، در متون ادبی و گفتمانی، برای ایجاد ارتباطات عمیق و تأثیرگذاری احساسی استفاده می‌شود (Birch, 1989, p72). به دیگر عبارت، این مرحله از تحلیل گفتمان، به بررسی ویژگی‌های صوری متن می‌پردازد و متن را به عنوان یک شیء مورد تحلیل قرار می‌دهد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۳۹-۵۴). در این مرحله، عناصر مختلفی که ذکر شد، و دیگر ابزارهای زبانی موجود در متن بررسی می‌شوند. برای مثال، استفاده از ابزارهایی نظیر تعدی و ساختارهای نحوی، مانند معلوم یا مجهول بودن جملات و ذکر یا حذف عامل می‌تواند نشان‌دهنده کنترل اطلاعات و اعمال قدرت توسط نویسنده باشد.

نمونه‌ای از این تحلیل در چهار جمله مرتبط با حادثه کربلا قابل مشاهده است:

۱. حکومت یزید، امام حسین و یارانش را به شهادت رساند.

۲. امام حسین و یارانش توسط یزیدیان به شهادت رسیدند.

۳. امام حسین و یاران به شهادت رسیدند.

۴. امام حسین و باران به کوفه نرسیدند.

در جمله اول، «حکومت یزید» به عنوان عامل، صریحاً ذکر شده است و فعل «شهادت رساندن» نیز به وجود قاتل و شهدا اشاره دارد. جمله دوم، یزیدیان را با حرف اضافه، به صورت غیرمستقیم ذکر می‌کند که از شفافیت جمله اول کمتر است. در جمله سوم، عامل به طور کامل حذف شده است، اما فعل «شهادت رسیدن» همچنان به وجود قاتل اشاره دارد. جمله چهارم، با استفاده از فعل «نرسیدن» هیچ دلالتی به وجود قاتل ندارد و عامل، کاملاً از متن حذف شده است. این تفاوت در نحوه بیان می‌تواند نشان‌دهنده موضع‌گیری سیاسی نویسنده نسبت به حادثه است. تحلیل این جملات با استفاده از ابزارهای زبانی مانند تعدی، به پژوهشگر کمک می‌کند تا مواضع و دلالت‌های اجتماعی متن را کشف کند.

۴-۱-۱. هویت زن در توصیف متن قرآن

در این بخش، با استفاده از ابزارهای تحلیلی ارائه‌شده و اجرای مرحله توصیف در الگوی سه مرحله‌ای فرکلاف، به تحلیل متن قرآن در ارتباط با موضوع زن پرداخته می‌شود. ابتدا هویت فاعلان و کنشگران زن که در قرآن به آنها اشاره شده است، بررسی خواهد شد. سپس واژگان ارزشی مرتبط با این شخصیت‌ها تحلیل می‌گردد و در نهایت، به بررسی هم‌آیی واژگان مربوط پرداخته خواهد شد.

۴-۱-۲. شناسایی هویت فاعلان و کنشگران در قرآن

یکی از ویژگی‌های قابل توجه قرآن، بازنمایی هویت‌ها و معرفی شخصیت‌ها در قالب سوژه‌های گفتمانی است. تحلیل این هویت‌ها به عنوان نمایندگان تفکرات خودی و غیرخودی در گفتمان قرآنی، دیدگاه این متن مقدس را نسبت به زنان آشکار می‌سازد. در گام نخست، هویت‌هایی که در متن قرآن مطرح شده‌اند، بررسی می‌گردند. این اشخاص اغلب به عنوان سوژه‌هایی در داستان‌ها یا حاملان پیام‌های الهی، مورد توجه قرار می‌گیرند. بازیابی این هویت‌ها، به تحلیل نقاط مرکزی و مفاهیم محوری متن کمک می‌کند و دیدگاه قرآن درباره زنان را روشن‌تر می‌سازد.

در این تحلیل، سؤالاتی نظیر اینکه چه شخصیت‌هایی در قرآن مورد اشاره قرار گرفته‌اند، نقش آنها چیست، و چگونه با استفاده از واژگان خاص معرفی شده‌اند، پاسخ داده می‌شود. این بررسی در مرحله نخست، به صورت کمی صورت می‌گیرد تا چهارچوبی از هویت و جایگاه کنشگران زن در قرآن ارائه دهد.

۴-۱-۲-۱. شناسایی کنشگران زن در قرآن

در قرآن کریم، تعداد ۲۹۰ آیه به صورت مستقیم به موضوع زنان اختصاص یافته است که آنان را به عنوان انسان‌هایی کنشگر با هویت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی معرفی می‌کند. زنانی که در این کتاب مقدس نام برده شده‌اند، در برخی موارد، در داستان‌های قرآنی، با پیامبران الهی در ارتباط بوده‌اند. این ارتباط، به‌ویژه به دلیل نقش‌های خانوادگی و اجتماعی آنان در یاری‌رسانی به انتقال رسالت الهی، جایگاه ویژه‌ای به آنان بخشیده است. به عنوان نمونه، می‌توان به همسران پیامبرانی همچون: آدم علیه السلام، نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، لوط علیه السلام، ایوب علیه السلام، زکریا علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اشاره نمود، و نیز با دیگر نسبت‌های خویشاوندی مانند دختران لوط علیه السلام، دختران شعیب علیه السلام، دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مادر و خواهر موسی علیه السلام، همسر عمران و مریم علیه السلام، گاه به عنوان بنده‌ای صالح و گاه با عنوان مادر پیامبر بودن و به جهت نقش‌هایی که ایفا کرده‌اند در قرآن حضور دارند. زنان قوم بنی اسرائیل هنگامی که حضرت موسی علیه السلام نعمت‌های الهی را برای آنان برمی‌شمارد، از آنان سخن به میان می‌آید. ماجرای بلقیس، ملکه سبا، در ارتباط با حضرت سلیمان علیه السلام مطرح شده است. داستان زلیخا و زنان مصر، به دلیل ارتباط با حضرت یوسف علیه السلام بیان شده است.

در قرآن کریم، زنان گاهی به عنوان کنشگرانی با هویتی مستقل معرفی شده‌اند که نقش‌های همسری، مادری، خواهری یا دختری و همچنین عضویت در جامعه به آنان اختصاص داده شده است. این زنان، بدون داشتن ارتباط مستقیم با پیامبران یا شخصیت‌های برجسته، در قرآن مطرح شده‌اند، که نشان می‌دهد توجه قرآن به زنان، فراتر از روابط خانوادگی، و به عنوان شخصیت‌هایی مستقل است.

به بیان دیگر، قرآن کریم برخی زنان را به دلیل ویژگی‌های برجسته شخصیتی و نقش‌های خاصشان، بدون ارتباط با پیامبران، ذکر کرده است. نمونه بارز این امر، حضرت مریم علیه السلام است که به دلیل پاکدامنی و مقام والای معنوی، یکی از برجسته‌ترین زنان در قرآن به شمار می‌رود. حضرت مریم، نه به واسطه ارتباطش با حضرت عیسی علیه السلام، بلکه به خاطر ایمان و تسلیم کامل خود در برابر اراده الهی، به عنوان الگویی از زنان پاکدامن و مؤمن معرفی شده است. همچنین زن فرعون، با وجود همسری با فرعون که نماد ظلم و شرک است، به دلیل ایمان پایدار و مقاومتش در برابر ظلم، نمونه‌ای از زنان نیکوکار در قرآن شناخته می‌شود.

در مقابل، همسران نوح و لوط، به عنوان زنانی که از پیامبران الهی روی گردان شده و با آنان مخالفت کردند، مورد سرزنش و نکوهش شدید قرار گرفته‌اند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که قرآن، علاوه بر توجه به نقش‌های خانوادگی زنان، بر هویت مستقل و انتخاب‌های آنان تأکید ویژه دارد. در قرآن کریم، زنان به عنوان شخصیت‌هایی با نقش‌های کلیدی در ارتباط با رسالت الهی و وظایف اجتماعی معرفی شده‌اند. در بسیاری از داستان‌های قرآنی، آنان به عنوان کنشگرانی فعال و حمایت‌کنندگان پیامبران حضور دارند. به عنوان نمونه، مادر و خواهر حضرت موسی (ع) در حفاظت و نجات او نقشی اساسی ایفا می‌کنند و دختران شعیب نیز در یکی از مهم‌ترین وقایع مربوط به حضرت موسی (ع) مشارکت دارند. این مثال‌ها نشان‌دهنده توجه قرآن به جایگاه زنان، نه تنها به عنوان اعضای خانواده پیامبران، بلکه به عنوان شخصیت‌هایی مستقل با وظایف دینی و اخلاقی خاص است.

از سوی دیگر، برخی از زنان در قرآن به دلیل مخالفت با پیامبران یا عدم پذیرش پیام‌های الهی، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال، همسران نوح و لوط و همسر ابولهب، به عنوان نمونه‌هایی از کسانی معرفی شده‌اند که به دلیل نافرمانی و بی‌اعتنایی به رسالت الهی، از رحمت خداوند دور شده‌اند. این تقابل‌ها، اهمیت انتخاب‌های اخلاقی و دینی را در بازنمایی شخصیت زنان در قرآن برجسته می‌کند.

بر اساس این آیات، کنشگری زنان در سه زمینه اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) کنشگری مستقیم از سوی خود زنان؛

ب) کنشگری الهی که مرتبط با یک زن است؛

ج) کنشگری اطرافیان یک زن، شامل همسر، فرزندان، والدین یا افراد جامعه که با او در ارتباط هستند.

به عنوان نمونه، در داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا، کنشگری اصلی، از سوی حضرت سلیمان صورت می‌گیرد، اما موضوع و محور داستان، ملکه سباست. این مقاله با رویکردی جامع، به بررسی تمامی این سه نوع کنشگری مرتبط با زنان در قرآن خواهد پرداخت.

جدول شماره ۱- کنشگران زن در قرآن با ذکر هویت مرتبط و یا مستقل

ردیف	کنشگران	نقش‌های مرتبط/ نقش‌های مستقل
۱	حوا علیها السلام	مرتبط با همسرش حضرت آدم علیه السلام
۲	همسر نوح علیه السلام	مرتبط با همسرش حضرت نوح علیه السلام
۳	همسر ابراهیم علیه السلام	مرتبط با همسرش حضرت ابراهیم علیه السلام
۴	همسر لوط علیه السلام	مرتبط با همسرش حضرت لوط علیه السلام
۵	دختران لوط علیهم السلام	مرتبط با پدرشان حضرت لوط علیه السلام
۶	زلیخا/ زنان مصر	مرتبط با حضرت یوسف علیه السلام
۷	مادر و پدر یوسف علیه السلام	مرتبط با حضرت یوسف علیه السلام
۸	دختران شعیب علیه السلام	مرتبط با حضرت موسی علیه السلام و پدرشان حضرت شعیب علیه السلام
۹	خانواده ایوب علیه السلام	مرتبط با حضرت ایوب علیه السلام
۱۰	آسیه علیها السلام	مرتبط با حضرت موسی علیه السلام / مستقل
۱۱	مادر موسی علیه السلام	مرتبط با فرزندش حضرت موسی علیه السلام
۱۲	خواهر موسی علیه السلام	مرتبط با برادرش حضرت موسی علیه السلام
۱۳	زنان بنی اسرائیل	مرتبط با قوم حضرت موسی علیه السلام
۱۴	بلقیس (ملکه سبا)	مستقل
۱۵	همسر زکریا علیه السلام	مرتبط با همسرش حضرت زکریا علیه السلام
۱۶	همسر عمران علیه السلام	مستقل
۱۷	حضرت مریم علیها السلام	مستقل
۱۸	همسران و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله	مرتبط با پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۹	زنان عصر نبوی صلی الله علیه و آله	مستقل
۲۰	همسر	مرتبط با شوهر
۲۱	خانواده	مرتبط با اهل خانه
۲۲	مادر	مستقل
۲۳	اولاد دختر	مستقل
۲۴	زنان وابسته	مرتبط با بستگان
۲۵	زنان (عام)	مستقل

ردیف	کنشگران	نقش‌های مرتبط / نقش‌های مستقل
۲۶	زنان بهشتی	مرتبط با همسران بهشتی
۲۷	زنان خوش‌نام	مستقل
۲۸	زنان بدنام	مستقل
۲۹	زنان مشمول احکام فقهی	مستقل
۳۰	زن و دختر ظلم‌شده	مستقل

۲-۱-۴. کنشگران زن با هویت خاص و عام

در تقسیم‌بندی دیگری، قرآن کریم از زنانی یاد می‌کند که به عنوان کنشگرانی با هویت مشخص و تاریخی معرفی شده‌اند. این افراد، شخصیت‌هایی واقعی هستند که در دوره‌های خاصی از تاریخ زیسته‌اند و قرآن به صورت مصداقی و مشخص به آنان اشاره کرده است. این کنشگران شامل افرادی همچون: حوا^{۱۱۱}، همسران نوح، ابراهیم و لوط، دختران لوط، زلیخا، دختران شعیب، آسیه^{۱۱۲}، مادر و خواهر موسی^{۱۱۳}، بلقیس، همسر زکریا^{۱۱۴}، همسر عمران^{۱۱۵}، حضرت مریم^{۱۱۶}، زینب همسر زید، همسر ابولهب، مادر یوسف^{۱۱۷}، همسر ایوب^{۱۱۸}، زنان بنی اسرائیل، همسران و دختران پیامبر^{۱۱۹} و زنان مهاجر در عصر نبوی هستند.

در مقابل، دسته دیگری از زنان در قرآن به عنوان کنشگرانی عام معرفی شده‌اند که هویت مشخص یا انفرادی ندارند. این گروه شامل همسر، اعضای خانواده (زن در نقش خانوادگی)، مادر، دختر، زنان وابسته، زنان به‌طور کلی، زنان بهشتی، زنان خوش‌نام، زنان بدنام، زنان مشمول احکام فقهی، و زنان و دختران ظلم‌دیده هستند.

مطالعه بیش از ۶۰۰ واژه قرآنی که به توصیف این ۳۰ گروه از زنان پرداخته، نشان می‌دهد که قرآن گفتمان اسلامی را بازنمایی و تثبیت کرده و گفتمان پیشااسلامی را به حاشیه رانده است. این واژگان به ۱۴ مفهوم اصلی تقسیم شده‌اند: ۷ عنوان مرتبط با بازنمایی هویت زن در گفتمان اسلامی و ۷ عنوان دیگر مرتبط با بازنمایی هویت زن در گفتمان پیشااسلامی.

در این مقاله، تنها یکی از این موضوعات، با تمرکز بر تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد در دو گفتمان اسلامی و پیشااسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بررسی، بر پایه واژگانی انجام می‌شود که قرآن برای بیان این موضوع به کار برده است.

۴-۱-۳. عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد در گفتمان اسلامی

بررسی واژگانی ما در بخش نخست، در دو گروه انجام می پذیرد: الف) آیاتی است که در داستان حوا علیها السلام بیان شده است. ب) آیات دیگری که قرآن در موضوع عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد بیان نموده است.

۴-۱-۳-۱. آیات مرتبط با حوا علیها السلام

در آیاتی که به داستان حوا علیها السلام اشاره شده، سه موضوع اصلی مطرح گردیده است که در تمامی آنها، گفتمان جاهلی نفی، و گفتمان قرآنی تثبیت شده است. در این آیات، نام حوا هرگز به طور مستقیم و منفرد ذکر نشده و همواره همراه با آدم علیه السلام آمده و از او با عنوان «همسر آدم» (زَوْجَكَ) یاد شده است. همچنین در دو سوی دیگر این ماجرا، خداوند و شیطان حضور دارند.

ابتدا این آیات با عباراتی نظیر «وَحَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء: ۱)، «جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف: ۱۸۹ و زمر: ۶)، «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۱؛ انعام: ۹۸؛ اعراف: ۱۸۹؛ لقمان: ۲۸ و زمر: ۶) و «وَيَتَّ مِّنْهُمَا رَجُلًا...» (نساء: ۱)، واژگان، ارزشی مثبت مانند «وحدت جنسیتی»، «یگانگی وجودی»، «یگانگی روحی» و «یگانگی انسانی» را تولید کرده اند. این واژگان بیانگر آن است که زن و مرد در آفرینش یکسان هستند، هیچ یک از نظر جنسیتی بر دیگری برتری ندارند و گوهر وجودی هر دو یکی است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۳۶ و ج ۸، ص ۳۷۴). این آیات با تأکید بر این مفاهیم، گفتمان قرآنی را تثبیت کرده و گفتمان جاهلی که زن را موجودی فروتر و کم ارزش تر از مرد می پنداشت، نفی می کند. در عین حال، این آیات با ذکر ضمیر «ها»، به نقش برجسته حوا به عنوان یکی از دو محور آفرینش انسان اشاره کرده اند؛ مفهومی که در گفتمان جاهلیت جایگاهی نداشت.

موضوع دیگر در این آیات، تداوم نسل و بقای انسان است که در تکمیل موضوع قبلی مطرح شده است. در این بخش، سه نکته برجسته شده است: اصل زوجیت، هدف آن که آرامش انسان است، و تأثیر این زوجیت بر نسل های آینده. عباراتی نظیر «حَلَقَكُمْ... ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (زمر: ۶)، «لَيْسَ كُنْزُ الْإِنْسَانِ» (آثَاهُمَا)، «صَالِحًا» (اعراف: ۱۸۹) و «قَالَ اهْبِطُوا...» (اعراف: ۲۴) با تولید واژگان ارزشی مانند «همسرگزینی»، «آرامش زناشویی»، «شراکت والدینی»، «تداوم نسل صالح» و «تأثیر نسلی گناه»، بر مفاهیمی چون نیاز انسان به همسر برای بقای نوع، نقش ازدواج در آرامش زندگی، و تداوم نسل صالح تأکید دارند. همچنین این آیات به این نکته اشاره دارند که عملکرد هر یک از

زوجین، در سقوط یا نجات نسل انسانی اثرگذار است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۷، ص ۲۳۸ و ج ۸، ص ۳۷۴).

سومین موضوع، آسیب پذیری و تأثیرپذیری هر دو نسبت به وسوسه های شیطانی است. عباراتی چون «عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا» (اعراف: ۲۰)، «أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمَا... يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا»، «يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا... أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۷)، «عَدُوُّكَ وَلَوْ جِئْتَ» (طه: ۱۱۷)، «فَدَلَّاهُمَا» و «فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا...» (اعراف: ۲۲) با استفاده از ضمیر «هُمَا»، واژگان ارزشی منفی مانند «شیطان فریبی»، «حجاب گسست»، «سلطه شیطانی»، «دشمن پذیری»، «وسوسه پذیری» و «کیفر الهی» را تولید کرده اند. این آیات به صراحت، گفتمان جاهلی تأثیرگرفته از تورات تحریف شده را نفی می کنند که زن را به عنوان «اولین گناهکار» و عامل خروج انسان از بهشت معرفی کرده است (پیدایش، ۳: ۱-۱۹). قرآن کریم با استفاده از ضمیر «هُمَا»، اشتباه اولیه را به هر دو، یعنی آدم و حوا، نسبت داده است و زن و مرد را، هر دو، مخاطب وسوسه های شیطان می داند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۳۱).

الف) ویژگی های واژگانی

یک - واژگان ارزشی مثبت: واژگانی همچون «زَوْجَهَا»، «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (نساء: ۱)، «لَيَسْكُنَ إِلَيْهَا» و «صَالِحًا» (اعراف: ۱۸۹)، بر مفاهیم یگانگی وجودی، وحدت انسانی، آرامش زنashویی و تداوم نسل صالح دلالت دارند. این واژگان، به برجسته سازی مفهوم وحدت جنسیتی و برابری زن و مرد می پردازند و گفتمان جاهلی که زن را فروتر از مرد می دانست، به چالش می کشند.

دو - واژگان ارزشی منفی: واژگانی نظیر «فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ» (اعراف: ۲۲)، «عَدُوُّكَ وَلَوْ جِئْتَ» (طه: ۱۱۷) و «لَيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا» (اعراف: ۲۰)، بیانگر وسوسه پذیری، فریب شیطانی و آسیب پذیری انسان در برابر گناه هستند. استفاده از ضمیر جمع «هُمَا» برای آدم و حوا، نقش مساوی آنها در اشتباه انسانی و پذیرش وسوسه شیطان را نشان می دهد، و گفتمان جاهلی که زن را عامل اصلی گناه معرفی می کرد، طرد می کند.

ب) ویژگی های دستوری

یک - ضمیرهای تشبیه و ساختارهای نحوی: استفاده از ضمیرهای «هُمَا» سه بار و «كُما» نه بار، بر اشتراک آدم و حوا در مسئولیت و اعمال تأکید دارد. افعال معلوم مانند «خَلَقَ» هفت بار و «جَعَلَ» سه بار، به وضوح، خالق بودن خداوند و نقش مستقیم او در آفرینش را بازتاب می دهند. جملات معلوم مانند «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ» (بقره: ۳۶) نیز بر عامل کنش (شیطان) تأکید دارند و اشتباه آدم و حوا به صورت مشترک و نه فردی، بازنمایی شده است.

دو - وجه افعال: افعال امری مانند: «وَلَا تَقْرَبَا» (بقره: ۳۵)، «فَتَكُونَا» (بقره: ۳۵)، «فَلَا تُخْرِجَنَّكُمَا» (طه: ۱۱۷) و «اهْبِطُوا» (بقره: ۳۶) نشان دهنده دستورهای الهی با الزام قطعی هستند که به طور برابر به زن و مرد ارائه شده‌اند. همچنین، وجه شرطی در عبارت «فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى» (بقره: ۳۸ و طه: ۱۲۳)، بر تعامل خداوند با انسان در طول حیات زمینی تأکید می‌کند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۲۹ و ج ۴، ص ۲۲۴).

ج) انسجام متنی

یک - تکرار واژگان و ضمایر: تکرار عباراتی مانند «زَوْجَهَا» (چهار بار)، «نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (چهار بار) و «هُمَا» (۲۴ بار)، انسجام معنایی داستان آدم و حوا را تقویت کرده و بر برابری نقش‌های آنها تأکید می‌کند. عباراتی نظیر «لَيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹) نشان دهنده هدف آفرینش زن و مرد برای ایجاد آرامش است و به محور اصلی متن انسجام می‌بخشد.

دو - ارجاع درون‌متنی: ضمایری مانند «هُمَا»، «كُمَا» و «زَوْجَكِ» انسجام متنی را تقویت می‌نمایند و روابط میان شخصیت‌های داستان، یعنی آدم و حوا را برجسته می‌کنند.

د) ساختار بلاغی

یک - استعاره و تشبیه: عبارت «يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا» (اعراف: ۲۷) به عنوان کنایه از گسست پاکی و فریب خوردگی استفاده شده است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۸، ص ۸۷). همچنین عبارت «شَجَرَةَ الْخُلْدِ» (طه: ۱۲۰) به عنوان استعاره‌ای برای آرزوی جاودانگی، مفاهیم اخلاقی و اعتقادی را منتقل می‌کند.

دو - تقابل معنایی: تقابل میان واژگان مثبت مانند «لَيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹) و واژگان منفی مانند «فَدَلَاهُمَا يُغْرَوْنَ» (اعراف: ۲۷) به مخاطب امکان درک دوگانه خیر و شر را می‌دهد.

ه) ساختار نحوی

جملات ترکیبی و توضیحی در این آیات، روابط علت و معلولی میان هدایت الهی و رستگاری انسان را به شکلی برجسته نشان می‌دهند. برای نمونه، در آیه «فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَن تَبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشَقُّ» (طه: ۱۲۳)، این ارتباط به وضوح بیان شده است. این بخش از آیه، پس از فرمان خداوند مبنی بر هبوط آدم و حوا، یعنی «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا» (طه: ۱۲۳) آمده است و به گونه‌ای مساوی خطاب به هر دو، راه بازگشت و جبران خطاها را نشان می‌دهد. در اینجا تأکید شده است که هرکس از هدایت الهی پیروی کند، از گمراهی و بدبختی دور خواهد ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۳، ص ۳۲۶).

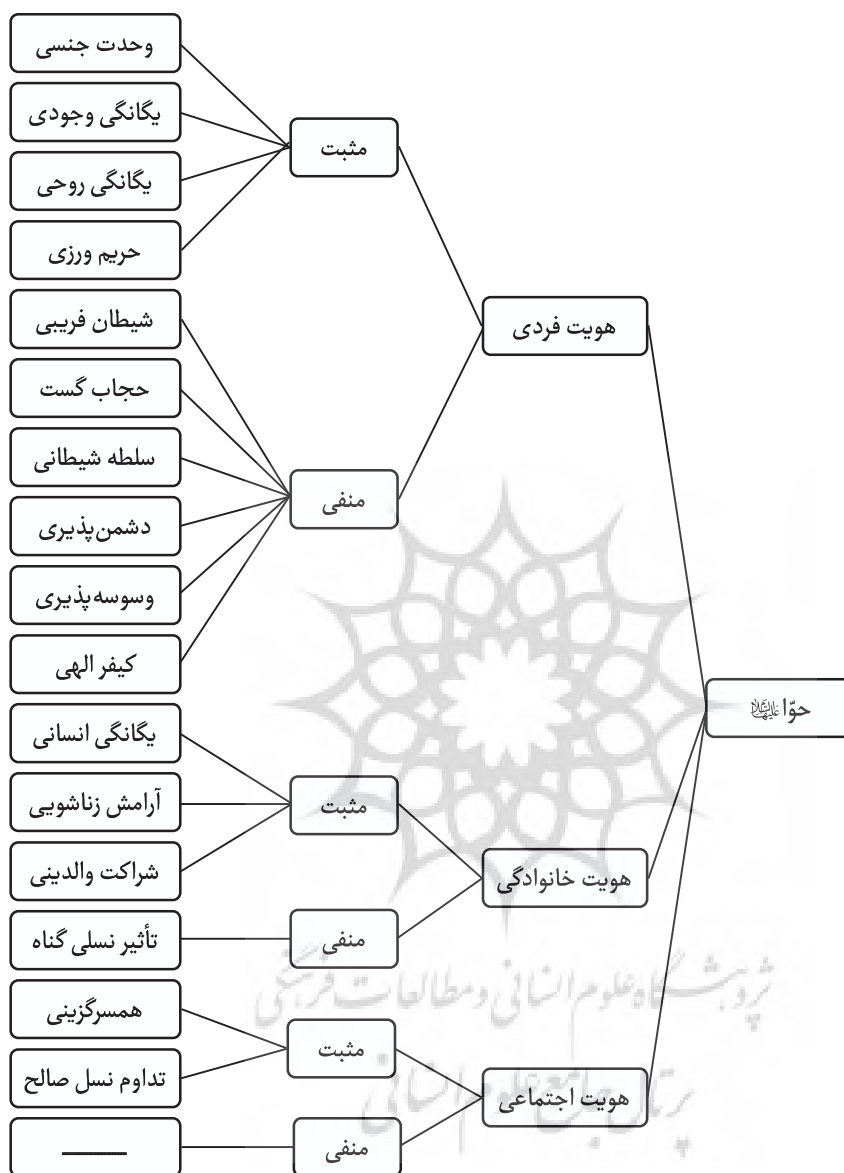
همچنین جملات توضیحی مانند ﴿فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا﴾ (اعراف: ۲۲) به روایت داستان عمق می‌بخشد و پیامدهای اعمال آدم و حوا را به صورت مشترک توضیح می‌دهند. این توزیع متوازن در ضمایر و افعال در متن قرآن، مسئولیت و تأثیرگذاری متقابل آدم و حوا را نشان می‌دهد و به توازن نحوی گفتمان قرآنی کمک می‌کند.

(و) تصاویر بلاغی

یک - تصویر اتحاد: عباراتی مانند ﴿نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ (نساء: ۱؛ انعام: ۹۸؛ اعراف: ۱۸۹؛ لقمان: ۲۸ و زمر: ۶) که پنج بار در آیات مربوطه تکرار شده است، به وضوح بر یگانگی و برابری زن و مرد تأکید دارند و ذهن را به سمت مفهوم وحدت جنسیتی سوق می‌دهند.

دو - تصویر سقوط: عباراتی همچون ﴿فَدَلَاهُمَا يُغْوَرُونَ﴾ و ﴿يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا﴾ (اعراف: ۲۷) به طور مشترک وسوسه و سقوط انسان را، چه زن و چه مرد، با زبانی صریح و تأثیرگذار بازگو می‌کنند. در این آیات، گفتمان قرآنی از طریق انتخاب واژگان مثبت و منفی، ساختارهای نحوی دقیق، و استفاده از ابزارهای بلاغی، مفاهیمی مانند برابری جنسیتی، آرامش در زندگی زناشویی، و اثرگذاری وسوسه شیطان بر آدم و حوا را بازنمایی کرده است. تأکید این گفتمان بر برابری میان زن و مرد و کنار گذاشتن نگاه نابرابر پیش از اسلام، رویکرد قرآن را در بازتعریف هویت انسانی نشان می‌دهد. این گفتمان به صراحت دیدگاه پیشااسلامی که تقصیر گناه اولیه را منحصرأ به زن نسبت می‌داد، رد کرده و زن و مرد را به عنوان شرکای مساوی در آفرینش و تاریخ بشری معرفی می‌کند. نتایج این بررسی واژگانی در خصوص آیات مرتبط با حوا در سه هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی در جدول زیر منعکس گردیده است.

نمودار ۱: واژگان دال بر معنای ارزشی (مثبت/ منفی)
در هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی حوّا ﷺ در آیات قرآن



۲-۳-۱-۴. آیات خارج از داستان حوا در موضوع عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد

قرآن کریم برای تثبیت گفتمان عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد، صرفاً به آیات مربوط به داستان آدم و حوا بسنده نکرده است. افزون بر واژگان مرتبط با هویت حوا در قرآن، از واژگان دیگری نیز در سایر آیات برای تبیین عدالت جنسیتی و توصیف گفتمان اسلامی بهره گرفته شده است.

به عنوان نمونه، واژگان ارزشی مثبت مانند «وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» (بقره: ۱۸۷)، «أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ» (صافات: ۱۵۳) و «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف: ۱۸۹) بر پذیرش مشیت الهی و یگانگی زن و مرد اذعان دارند. این واژگان، گفتمان قرآنی را در راستای نفی تبعیض‌های جنسیتی و خرافات جاهلی هدایت می‌کنند که در ادامه آیه، هم تویخ می‌کند و هم اشاره است به اینکه این حرف هیچ دلیلی ندارد (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۷، ص ۱۷۳). همچنین واژگان ارزشی منفی مانند «سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ» (نحل: ۵۹) به نقد عقاید خرافی درباره زنان و ساختارهای اجتماعی نابرابر پرداخته است. از نظر ویژگی‌های دستوری، افعال معلوم مانند «خَلَقَ»، «جَعَلَ» و «وَبَتَّ» (نساء: ۱ و اعراف: ۱۸۹) به وضوح نقش خالقیت خداوند و دخالت او در آفرینش را بیان می‌کنند. استفاده از ضمائر تثنیه و جمع، نظیر «مِنْهُمَا»، «مِنْكُمْ» و «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» نیز بر همسانی زن و مرد و مشارکت هر دو در مسئولیت‌های انسانی تأکید دارد.

در انسجام متنی، تکرار واژگان و عباراتی مانند «مِنْ أَنْفُسِكُمْ»، «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» و «وَبَتَّ مِنْهُمَا» (اعراف: ۱۸۹؛ روم: ۲۱ و نساء: ۱)، پیوستگی معنایی متن را تقویت کرده و یگانگی گوهر زن و مرد را برجسته می‌سازد. ضمایی نظیر «مِنْهَا» و «مِنْكُمْ» نیز به پیوند میان زن و مرد و ارتباط آنان با نظام الهی اشاره دارند. در ساختار بلاغی، استعاره‌ای مانند «وَبَتَّ مِنْهُمَا رَجُلًا كَثِيراً وَنِسَاءً» (نساء: ۱) به پراکندگی نسل انسان از یک منبع مشترک اشاره دارد و با کنایه «وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ» (بقره: ۱۸۷)، پذیرش مشیت الهی برجسته شده است. تصاویر بلاغی نیز نقش مهمی در این گفتمان ایفا می‌کنند. عبارت «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف: ۱۸۹)، وحدت زن و مرد را بازنمایی می‌کند و عبارت «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (روم: ۲۱) به برابری ذاتی آنها تأکید دارد.

این تحلیل‌ها نشان‌دهنده تلاش قرآن برای تقویت عدالت جنسیتی و طرد هرگونه تمایز غیرضروری میان زن و مرد است. گفتمان قرآنی در این زمینه، زنجیره‌ای از معانی هم‌سوار در جهت عدالت و اشتراک زن و مرد ارائه می‌دهد.

۴-۱-۴. ترجیح مرد بر زن و حذف زنان در گفتمان پیشااسلامی

قرآن کریم در بازنمایی رفتارهای جاهلی نسبت به تبعیض جنسیتی و حذف زنان، با استفاده از ساختار زبانی نه تنها به طرد آن گفتمان پرداخته؛ بلکه به طور فعال، به تقابل با آن اقدام کرده است. برخی از این توصیفات عبارت اند از:

الف) واژگان ارزشی منفی

عباراتی مانند «کُفُورٌ» (ابراهیم: ۳۴)، «مُسَوِّدًا» (نحل: ۵۸) و «قِسْمَةٌ ضِيزَى» (نجم: ۲۲) به کفران نعمت، تعصب جنسیتی، و حذف زنان در رفتارهای جاهلی اشاره دارند. این واژگان، گفتمان پیشااسلامی را نقد می کنند و به چالش کشیدن ارزش های اجتماعی آن زمان را نشان می دهند. قرآن با مفاهیمی نظیر «تبعیض جنسیتی»، «خرافه جنسیتی»، «نفی برتری جنسیتی» و «تشبیه نادرست» تلاش می کند گفتمان جاهلی را اصلاح و عدالت جنسیتی را تثبیت نماید.

ب) ویژگی های دستوری

افعالی مانند «يُبَيِّرُ» (نحل: ۵۸)، «أَصْطَفَى» (صافات: ۱۵۳)، «ضَرَبَ» (زخرف: ۵۷) و «يُظَاهِرُونَ» (مجادله: ۲)، نقش فعال انسان در تعصب های جنسیتی و رفتارهای اجتماعی آن دوران را برجسته می کنند. استفاده از ضمایر جمع مانند «كُمُ» و «هُمُ»، بر عمومیت رفتارهای جاهلی تأکید دارد. این ضمایر، به انسجام مفهومی متن کمک می کند و مسئولیت اجتماعی این رفتارها را نمایان می سازد.

ج) انسجام متنی

عباراتی نظیر «بَيْنَ» (نجم: ۲۱)، «إِنَاءًا» (نحل: ۵۷) و «شُرَكَاءُ» (أنعام: ۱۳۶)، انسجام معنایی متن را تقویت می نمایند و گفتمان نابرابر جاهلی را بازنمایی می کنند. همچنین واژگانی چون «وَإِذَا بُسِّرَ أَحَدُهُمْ» (نحل: ۵۸)، «ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا» (زخرف: ۵۷) و «شُرَكَاءُ» (أنعام: ۱۳۶)، پیوند منطقی و منسجم به جهت طرد گفتمان جاهلی و اصلاحات قرآنی را منعکس می سازد. برای مثال، قرآن در واکنش به تقابل منفی نسبت به تولد دختر، از واژه «يُبَيِّرُ» استفاده کرده است که گفتمان قرآنی را توسعه می بخشد.

د) ساختار بلاغی

عبارت «وَجْهَهُ مُسَوِّدًا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل: ۵۸) استعاره ای از شرم و اندوه است که تأثیر منفی تعصب های جنسیتی بر مردان در گفتمان جاهلی را نمایان می کند. عبارت «تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ

ضیمی ﴿نجم: ۲۲﴾ کنایه‌ای از تقسیم ناعادلانه میان زن و مرد است که نقد اجتماعی را بر این تبعیض‌ها تقویت می‌نماید.

ه) تصاویر بلاغی

در تصویرسازی حذف زنان، عبارت «يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ» (مجادله: ۲) نشان‌دهنده حذف و نادیده گرفتن زنان در گفتمان جاهلی است. عبارات «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ... وَجْهَهُ مُسْوَدًّا» (نحل: ۵۸) و «خَالِصَةً لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمَةً عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا» (أنعام: ۱۳۹) نیز بر نابرابری و خرافات جنسیتی در جامعه جاهلی تأکید می‌کنند. این توصیفات نشان می‌دهد که قرآن، با نقد گفتمان نابرابر پیشااسلامی و به چالش کشیدن ارزش‌های اجتماعی آن دوران، گفتمانی جدید مبتنی بر برابری و عدالت جنسیتی را ارائه کرده و به بازتعریف نقش زنان و مردان پرداخته است.

۵-۱-۴. زنجیره هم‌آیی واژگان

هم‌آیی در زبان‌شناسی به معنای کنار هم قرار گرفتن و وقوع همزمان واحدهای زبانی در یک بافت معین است. این مفهوم، که نقش مهمی در انسجام متنی دارد، توسط زبان‌شناسان متنی مانند هالیدی و حسن مورد توجه قرار گرفته است. به بیان دیگر، هم‌آیی واژگانی، به رابطه میان کلمات اشاره دارد که از طریق اشتراک‌های معنایی یا کاربردی، انسجام متن را تقویت می‌کند (آل بویه و نظری، ۱۳۹۱، ص ۲۵-۴۶ و p4, 1976, Halliday & Hasan).

۵-۱-۴-۱. انواع هم‌آیی براساس ارتباط معنایی

ارتباط موضوعی واضح: کلماتی که معمولاً در یک زمینه خاص به کار می‌روند؛ مانند بیمار، پزشک، و بیمارستان.

رابطه تقابل: واژه‌هایی که دارای معانی متضاد یا متباین هستند؛ مانند زنده و مرده.

رابطه جزء و کل: واژه‌هایی که نمایانگر اجزا و کل هستند؛ مانند برگ و درخت.

شمول معنایی: دسته‌بندی کلماتی که در یک گروه معنایی قرار می‌گیرند؛ مانند «گل» که

شامل رز، میخک و لاله و... است.

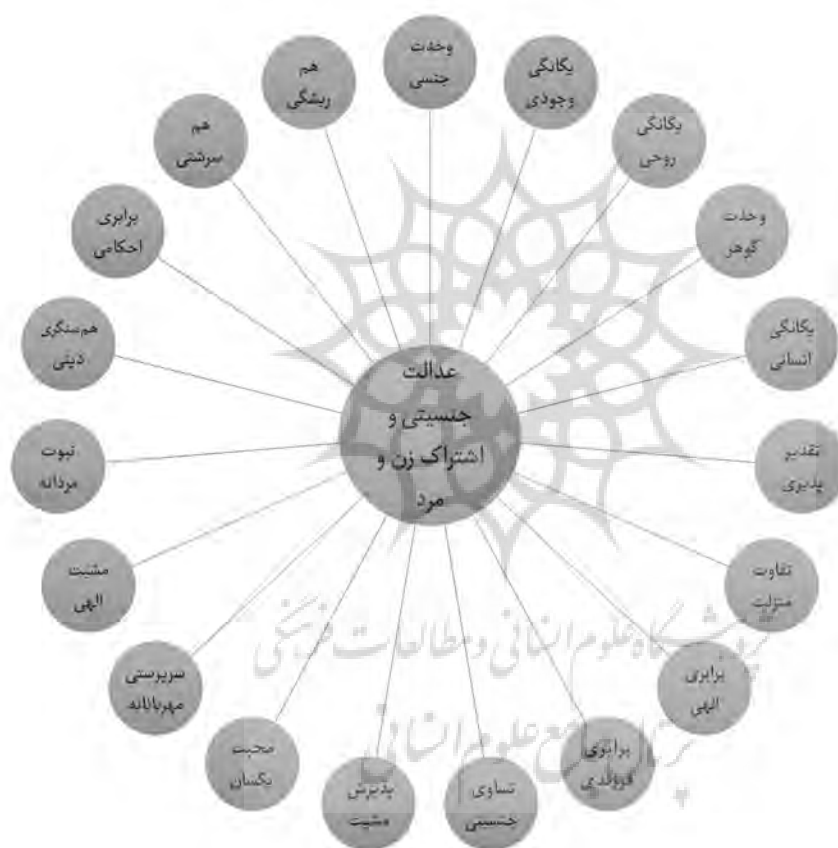
ترادف: کلماتی که معنای مشابه دارند؛ مانند ماشین و اتومبیل.

(Halliday & Hasan, 1976, pp288-289)

هم‌آیی در آیات قرآن، در روابطی نظیر تقابل، شمول معنایی و ارتباط موضوعی مورد بررسی قرار گرفته است که اهمیت انسجام واژگانی در متن قرآن را نشان می‌دهد.

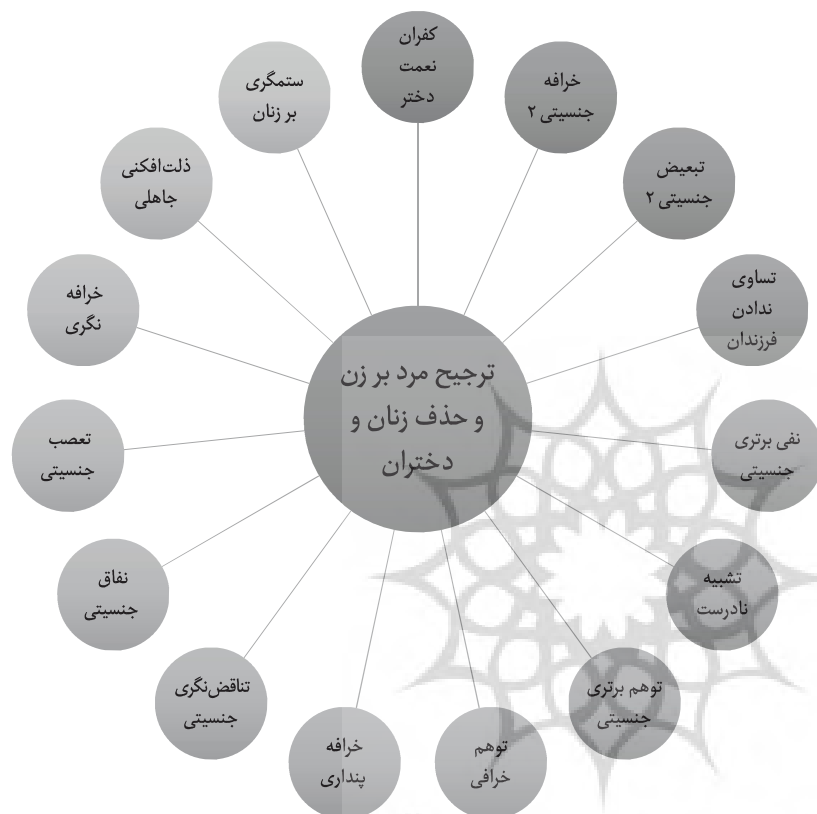
۴-۱-۵-۲. باهم‌آیی واژگان مربوط به عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد (در گفتمان اسلامی) گفتمان اسلامی، بر یکسانی زن و مرد در هویت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی تأکید دارد و گفتمان برتری مرد بر زن در عصر جاهلیت را طرد کرده است. باهم‌آیی واژگان قرآنی، که از آیات مرتبط با موضوع جنسیت و اشتراک زن و مرد به دست آمده است، نشان‌دهنده مشارکت و نقش‌آفرینی زنان در این حوزه‌ها است.

نمودار ۲: باهم‌آیی واژگان با موضوع عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد در گفتمان اسلامی



قرآن کریم، گفتمان حذف زنان از عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در عصر جاهلیت را طرد کرده و با هم‌آیی واژگان نشان داده است که ترجیح مرد بر زن بر اساس جنسیت نزد خداوند پذیرفته نیست.

نمودار ۳: باهم‌آیی واژگان با موضوع ترجیح مرد بر زن و حذف زنان و دختران (در گفتمان پیشااسلامی)



۴-۲. مرحله دوم: تفسیر

تفسیر و تحلیل متون^۱، در نقطه تعامل بین متن و جامعه رخ می‌دهد و به بررسی اثرات متقابل گفتمان‌ها و متن‌ها بر یکدیگر می‌پردازد. طبق مدل سه مرحله‌ای فرکلاف، در تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعه صرف ویژگی‌های ظاهری متن برای رسیدن به فهمی جامع از آن کافی نیست. معنای هر متن زمانی کاملاً آشکار می‌شود که متغیرهای درونی آن و ارتباطش با گفتمان‌ها

1. Interpretation

و متون زمینه‌ای تحلیل شوند. تحلیل گفتمان، فراتر از ساختار زبانی متن، گفتمان‌هایی را که در تولید و مصرف آن نیز مشارکت دارند در نظر می‌گیرد؛ زیرا این گفتمان‌ها متن را به عنوان کنشی اجتماعی شکل می‌دهند. از این رو، تفسیر متون، ترکیبی از محتوای متن و دانش پیش زمینه‌ای مفسر است که در فرایند تفسیر به کار گرفته می‌شود (Fairclough, 1995, pp58-59).

در مرحله دوم تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، تمرکز بر روابط بینامتنی و بیناگفتمانی است. این مرحله، به بررسی نحوه بازنمایی و حذف‌ها می‌پردازد تا نشان دهد گفتمان‌ها چگونه در بستر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند. این تحلیل، نگرش‌های غالب یا حاشیه‌ای تولیدشده از طریق گفتمان‌ها را آشکار می‌کند و تأثیر ساختارهای قدرت و معنایی بر جامعه را نمایان می‌سازد. هدف از این تحلیل، شناسایی نظم‌های گفتمانی است که نشان‌دهنده شیوه‌های پذیرفته‌شده و طبیعی سخنگویی هستند و تحت تأثیر عوامل گفتمانی و غیرگفتمانی، در متن بازتاب می‌یابند (ibid, p62).

در تفسیر آیات مرتبط با هویت زن، سؤال مهم این است که چگونه آیات مربوط به عدالت جنسیتی در گفتمان اسلامی با گفتمان‌های دیگر، مانند گفتمان جاهلی، در تعامل بوده‌اند. ابزارهای تحلیل در این سطح، شامل بافت موقعیتی و بینامتنیت است. تمرکز بر بینامتنیت اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه بافت موقعیتی ممکن است به برداشت تاریخی از آیات قرآن منجر شود، که در رویکرد الهیاتی قرآن جایگاهی ندارد. بینامتنیت به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف) بینامتنیت خلاق یا سازنده

ب) بینامتنیت آشکار یا صریح که شامل بینامتنیت تاریخی، ضمنی و منقول است (ibid, p78).

۴-۲-۱. تحلیل بینامتنیت در آیات قرآن: تمرکز بر هویت زن

این تحلیل، با استفاده از بینامتنیت خلاق یا سازنده، تعامل میان آیات قرآن و گفتمان‌های تاریخی و معاصر را بررسی می‌کند. قرآن با واژگان ارزشی، گفتمان جاهلیت را به عنوان «غیرخودی» طرد می‌نماید و گفتمان اسلامی را به عنوان «خودی» برجسته می‌سازد. محور تحلیل، شناسایی «ژانرها و موضوعات کلیدی» مرتبط با زنان در آیات است که به مسائل خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی می‌پردازد. هدف این است که روشن شود چگونه قرآن از این موضوعات برای شکل‌دهی هویت زنانه در چهارچوب گفتمان اسلامی بهره می‌برد.

۴-۲-۲. طرد و برجسته‌سازی در گفتمان قرآنی

تحلیل طرد و برجسته‌سازی در قرآن، به ردّ باورهای جاهلی مانند نگرش‌های تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و جایگزینی آنها با ارزش‌هایی چون کرامت انسانی و عدالت اجتماعی می‌پردازد. قرآن با مفصل‌بندی گفتمانی، هنجارهای اسلامی را برجسته می‌نماید و نگرش‌های فرهنگی را اصلاح می‌کند. مقایسه مفاهیم قرآنی و جاهلی، نشان‌دهنده گفتمان‌سازی جدید قرآن در تغییر ارزش‌های اجتماعی است. این تحلیل، بر آیات مرتبط با هویت زنان تمرکز دارد و موضوعات فردی، خانوادگی و اجتماعی را بررسی می‌کند.

موضوعات اصلی در گفتمان اسلامی، با تأکید بر بسامد واژگان قرآنی، شامل:

خانواده‌محوری و تکریم والدین (۱۴۰ واژه)؛

زوجیت و سبک زندگی اسلامی (۱۰۶ واژه)؛

پاکدامنی و گفتمان توحیدی (۷۳ واژه)؛

کرامت انسانی زنان (۶۷ واژه)؛

مادری و ایمان‌محوری (۶۰ واژه)؛

استقلال‌مندی و مشارکت اجتماعی (۵۵ واژه)؛

عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد (۲۵ واژه) است.

این مقاله، به دلیل رعایت اختصار، بر موضوع عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد تمرکز دارد و به تحلیل آن در چهارچوب گفتمان اسلامی می‌پردازد.

۴-۲-۳. برجسته‌سازی عدالت جنسیتی و طرد نابرابری جنسیت

قرآن با تغییر مبانی فکری جامعه جاهلی، گفتمانی بر پایه عدالت، برابری و کرامت انسانی ایجاد کرد. یکی از محورهای این تحول، نفی نابرابری جنسیتی و طرد نگاه فرودست به زنان بود. با تأکید بر تساوی وجودی زن و مرد در خلقت، قرآن گفتمان جاهلی را نقد کرده و تصورات جنسیت‌زده را کنار گذاشته است.

۴-۲-۳-۱. زن و مرد حقیقتی واحد

آیات قرآن به مسئله زایش و خلقت زن و مرد از حقیقتی واحد پرداخته و بر یگانگی و برابری آنها تأکید کرده است. در آیه اول سوره نساء آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ

نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً»، که بیانگر یگانگی وجودی زن و مرد است. این امر برخلاف باورهای پیشااسلامی است که مرد را برتر می‌دانستند. همچنین، سوره قیامت (آیات ۳۷ - ۳۹) مذکر و مؤنث بودن را به مرحله جسمانی محدود می‌کند و روح را اصل مشترک انسانی معرفی می‌نماید: «أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ يَمَنِ، ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى، فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى».

علامه طباطبایی نیز با استناد به آیه «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» (نساء: ۲۵)، بر یگانگی گوهر انسانی زن و مرد تأکید کرده و برابری در ثواب و عقاب الهی را نتیجه این یگانگی دانسته است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۲۷۷).

آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز با عبارت «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» به وحدت وجودی زن و مرد اشاره دارد (همان، ج ۸، ص ۳۷۴). همچنین، در آیه ۲۷ همین سوره، به ماجرای فریب آدم و حوا توسط شیطان پرداخته است: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا»، که هیچ تفاوتی میان آنان قائل نشده است (همان، ص ۷۱).

قرآن، روایت تورات درباره خلقت زن از دنده مرد را (پیدایش، ۲: ۲۳-۱۸) رد کرده و به صراحت بیان می‌کند که زن از بدن مرد آفریده نشده است. علاوه بر این، آیه ۶۷ سوره مؤمن، مراحل تطور خلقت انسان را فارغ از جنسیت توصیف می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»، و در هیچ یک از این مراحل، تفاوتی میان زن و مرد ذکر نشده است.

این آیات بیانگر آن است که ارزش و جایگاه انسان نزد خداوند، فارغ از جنسیت، بر اساس انسانیت و حقیقت روحانی اوست. بنابراین، قرآن با تأکید بر خلقت زن و مرد از یک حقیقت واحد، هرگونه تبعیض جنسیتی را رد نموده و نظام ارزشی یکسانی را برای هر دو جنس معرفی کرده است.

۱. و خداوند گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد. پس معاونی موافق وی برایش بسازم... و خداوند، خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و خداوند آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد. و آدم گفت: همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم. از این سبب، «نساء» نامیده شود؛ زیرا از انسان گرفته شد (پیدایش، ۲: ۲۳-۱۸).

۲-۳-۴. برابری در پاداش و ارزش‌های معنوی

قرآن کریم به طور واضح، بر برابری زن و مرد در دریافت پاداش اعمال نیک تأکید دارد و نشان می‌دهد که ارزش انسانی در آموزه‌های اسلامی، بر اساس عمل صالح و ایمان سنجیده می‌شود، نه جنسیت. در آیات متعددی، از جمله آیه ۱۹۵ سوره آل عمران، آیه ۱۲۴ سوره نساء، آیه ۹۷ سوره نحل و آیه ۴۰ سوره غافر، بیان شده است که اعمال هر فرد، صرف نظر از زن یا مرد بودن، به طور برابر نزد خداوند ارزش‌گذاری می‌گردد و بر مبنای روح انسانی او پاداش داده می‌شود. این آیات به این نکته اشاره دارند که حقیقت انسان، روح اوست که از جنسیت فراتر است.

به عنوان نمونه، در آیه «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ» (آل عمران: ۱۹۵)، خداوند وعده می‌دهد که عمل هیچ فردی، چه مرد و چه زن، ضایع نخواهد شد و پاداش او کامل داده می‌شود. این آیه، معیار ارزشیابی اعمال را ایمان و عمل صالح معرفی کرده و تأثیر جنسیت را نفی نموده است.

همچنین در آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷)، خداوند تأکید می‌کند که هر مؤمن، زن یا مرد، که عمل صالح انجام دهد، به زندگی پاک و پاداشی برتر دست خواهد یافت.

این گفتمان اسلامی در دورانی بیان شده است که بسیاری از جوامع، زنان را از حقوق انسانی محروم می‌کردند و حتی جایگاه انسانی آنها را زیر سؤال می‌بردند (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۹۰).^۱ قرآن با رد این نگرش‌های جاهلی، زن و مرد را در کسب کمالات معنوی و دریافت پاداش الهی برابر معرفی کرده است. این گفتمان قرآنی، بر برابری زن و مرد در مقام انسانی تأکید دارد و تفاوت‌های طبیعی و اجتماعی را در این ارزش‌گذاری دخیل نمی‌داند.

۱. بیشتر امت‌های قدیم معتقد بودند که عبادت و عمل صالح زن، در درگاه خدای تعالی پذیرفته نیست. در یونان قدیم، زن را پلید و دست‌پرورده شیطان می‌دانستند. رومیان و بعضی از یونانیان معتقد بودند که زن دارای نفس مجرد انسانی نیست و مرد دارای آن است. حتی در سال ۵۸۶م کنگره‌ای در فرانسه تشکیل شد تا در مورد زن و اینکه آیا زن انسان است یا خیر؟ بحث کنند! بعد از بگومگوها و جروبحث‌های بسیار به این نتیجه رسیدند که بله، زن نیز انسان است اما نه چون مرد، انسانی مستقل؛ بلکه انسانی است مخصوص خدمت کردن بر مردان. در انگلستان نیز تا حدود صد سال قبل، زن در شمار اجتماع انسانی شمرده نمی‌شد. اگر خواننده عزیز در این باب به کتاب‌هایی که درباره آراء، عقاید و آداب ملت‌ها نوشته شده است مراجعه کند به عقایدی عجیب برمی‌خورد. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۴۰)

۳-۲-۴. نقش زنان در بنیان‌گذاری خانواده

قرآن کریم به نقش اساسی زنان در ایجاد و تحکیم بنیان خانواده اشاره کرده و این مسئولیت را بر سه اصل کلیدی استوار ساخته است: حسن معاشرت، مودت و رحمت، و مسئولیت متقابل اعضای خانواده.

حسن معاشرت، یکی از مهم‌ترین اصول در روابط خانوادگی است که قرآن کریم آن را وظیفه‌ای برای مردان و حقی برای زنان می‌داند. خداوند در آیه «وَعَاشِرُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) تأکید می‌کند که مردان باید با همسران خود با نیکویی رفتار کنند. این امر، شامل تأمین نیازهای جسمی و روحی زنان می‌شود و هدف آن، استحکام روابط خانوادگی است (نساء: ۱۹ و احمدیه، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵-۲۲۳). حتی در شرایط دشوار مانند طلاق، رعایت اصول نیکوکاری و تقوا ضروری است. حسن معاشرت، با ایجاد تعادل میان حقوق و وظایف اعضای خانواده، پایه‌ای محکم برای استواری روابط خانوادگی فراهم می‌کند (بهرامی، ۱۳۸۵، ص ۴۲-۷۷).

مودت و رحمت به عنوان اصول دیگر در روابط زن و شوهر، در آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) معرفی شده‌اند. مودت به معنای محبت آشکار در عمل، و رحمت به معنای احساس مسئولیت و حمایت از یکدیگر است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۱۶۶). این اصول، محیطی عاطفی و حمایتی برای خانواده ایجاد می‌کنند و تربیت فرزندان را در فضایی آرام و سالم امکان‌پذیر می‌سازند (نقیبی و زمانی، ۱۳۹۰، ص ۷-۵۳).

مسئولیت‌پذیری متقابل نیز در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» (تحریم: ۶)، خداوند به اهمیت تربیت اخلاقی و معنوی اعضای خانواده اشاره دارد. این آیه، مسئولیت زن و مادر را نیز در کنار سایر اعضای خانواده برجسته می‌سازد و بر ضرورت ایجاد محیطی پاک و عاری از فساد تأکید می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲۴، ص ۲۸۶-۲۸۸). بنابراین، قرآن کریم با تأکید بر اصول حسن معاشرت، مودت و رحمت، و مسئولیت‌پذیری، نقش محوری زنان در خانواده را به عنوان یکی از ارکان پایداری این نهاد اجتماعی معرفی می‌کند.

۳-۲-۴. عدم تفاوت در حقوق و مسئولیت‌ها

گفتمان اسلامی با تأکید بر حقوق و مسئولیت‌های زنان، جایگاه آنان را در خانواده و جامعه ترسیم کرده است؛ حقوقی همچون استقلال اقتصادی، ارث، مشارکت در امور اجتماعی، و ایفای

نقش‌های عاطفی و تربیتی، بخشی از این گفتمان‌اند. این نظام حقوقی، بر پایه عدالت و تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، با هدف ایجاد تعادل در حقوق و وظایف هر دو جنس شکل گرفته است. برخی از مهم‌ترین حقوق و مسئولیت‌های زنان در قرآن عبارت‌اند از:

الف) استقلال اقتصادی زنان: قرآن کریم، استقلال اقتصادی زنان را تأیید کرده است. در آیه «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ...» (نساء: ۳۲)، به صراحت تأکید شده است که زنان و مردان از حقوق مالی مستقل برخوردارند. این آیه، که مخالف با گفتمان جاهلی است، نه تنها بر حقوق مالی زنان تأکید می‌کند، بلکه آنها را از آرزوی مزایای جنس دیگر منع کرده و بر حکمت الهی در تفاوت‌ها تأکید نموده است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۳۳۸-۳۴۰).

ب) حقوق زنان در ارث: قرآن کریم حق ارث را برای زنان به رسمیت شناخته و سنت‌های ناعادلانه جاهلی را باطل کرده است. آیه «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرُ نَصِيبًا مَفْرُوضًا» (نساء: ۷) به وضوح بیان می‌کند که زنان نیز همچون مردان، از ارث بهره‌مند می‌شوند. این تفاوت سهم ارث، ناشی از مسئولیت‌های اقتصادی مردان است، اما در مواردی، سهم زنان برابر یا بیشتر از مردان است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۴، ص ۱۹۸).

ج) حقوق زنان در شهادت: در آیه «... فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَأَمْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّهَادَةِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...» (بقره: ۲۸۲)، شهادت دو زن، به جای یک مرد در موضوعات اقتصادی پذیرفته شده است. این حکم به دلیل حضور کمتر زنان در امور اقتصادی و نه نقص در عقلانیت آنها وضع شده و همکاری زنان در این موارد را برجسته کرده است (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۸۳).

د) مسئولیت‌های زنان در خانواده: قرآن کریم زنان را در خانواده، مسئول نقش‌های عاطفی و تربیتی می‌داند. آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم: ۲۱)، محبت و رحمت را اساس روابط زوجین معرفی می‌کند. زنان با ایفای این نقش‌ها، بنیان خانواده را مستحکم می‌کنند و مردان نیز وظیفه تأمین نیازهای مادی و حمایت را بر عهده دارند.

ه) مشارکت اجتماعی زنان: آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا... فَبَايِعُهُنَّ...» (ممتحنه: ۱۲)، حق مشارکت زنان در امور اجتماعی و بیعت با پیامبر ﷺ را به

رسمیت شناخته است. این بیعت، نشان‌دهنده تأیید نقش اجتماعی و سیاسی زنان است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۹، ص ۲۴۲).

و) **قصاص و دیه:** در آیه «...الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى...» (بقره: ۱۷۸)، بر تساوی زن و مرد در قصاص تأکید شده است. تفاوت در دیه، به معنای کم‌ارزش بودن جان زنان نیست؛ بلکه ناشی از تأثیر اقتصادی بر خانواده است.

ز) **هجرت زنان:** در آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَاِمْتَحِنُوهُنَّ...» (ممتحنه: ۱۰-۱۱)، قرآن به زنان اجازه هجرت برای حفظ ایمان خود را داده است. این آیات، آزادی زنان در انتخاب دین و انجام وظایف دینی را نشان می‌دهند و تأکید دارند که حمایت از زنان مهاجر، وظیفه جامعه اسلامی است (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۱۹، ص ۲۴۰).

۴-۳. مرحله سوم: تبیین

در مرحله سوم تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، با عنوان «تبیین»^۱، ارتباط میان متن و ساختارهای اجتماعی بررسی می‌شود. این مرحله، به تحلیل چگونگی بازتاب، بازتولید یا به چالش کشیدن روابط قدرت و ایدئولوژی‌های حاکم می‌پردازد (Fairclough, 1989, p63). آیات قرآن، به عنوان بخشی از گفتمان اسلامی، روابط قدرت و ارزش‌های اسلامی را مشروعیت بخشیده و در تمایز گفتمان اسلامی از گفتمان جاهلی نقشی کلیدی ایفا کرده است.

۴-۳-۱. تحلیل ساختارهای قدرت در آیات قرآن

۴-۳-۱-۱. بازنمایی جایگاه زن در گفتمان اسلامی

آیات قرآن کریم، جایگاه زنان را در چهارچوب موضوعاتی مانند حقوق اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی تبیین می‌کنند. گفتمان اسلامی، برخلاف گفتمان جاهلی که زنان را فاقد حقوق معرفی می‌نمود، تلاش کرده است استقلال اقتصادی و نقش زنان در خانواده را به رسمیت بشناسد. به عنوان نمونه، قرآن حق ارث را برای زنان در آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ...» (نساء: ۷) به عنوان حقی مسلم مطرح کرده است. در کنار این حقوق، بر مسئولیت‌هایی مانند اطاعت از شوهر نیز تأکید شده است؛ چنان‌که در آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء: ۳۴) به وظایف متقابل میان مرد و زن اشاره گردیده است.

1. Explanation

۲-۱-۳-۴. رابطه دین با قدرت و ارزش‌ها

قرآن کریم، دین را منبع مشروعیت برای تنظیم روابط قدرت در جامعه معرفی می‌کند. آیاتی نظیر «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ...» (نساء: ۳۴) بیانگر مسئولیت‌های متفاوت زنان و مردان است. گفتمان قرآنی تلاش دارد تا ضمن تأکید بر نقش‌های متفاوت زن و مرد، تعادلی میان حقوق و وظایف هر دو جنس برقرار کند.

۳-۱-۳-۴. تعامل گفتمان‌های دینی و اجتماعی

آیات قرآن، بازتاب‌دهنده تعامل میان گفتمان دینی و ساختارهای اجتماعی دوران خود هستند. به عنوان مثال، آیه «...فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ...» (بقره: ۲۸۲) به نقش شهادت زنان در دادگاه‌ها اشاره دارد که بر اساس شرایط اجتماعی آن زمان، جایگاهی متناسب با موقعیت زنان تعریف کرده است. این محدودیت‌ها، نشان‌دهنده تأثیر بافت اجتماعی بر احکام قرآنی است.

۴-۱-۳-۴. نقش قرآن در بازتولید ارزش‌های اسلامی

الف) مشروعیت بخشی به ساختارهای اجتماعی: آیات قرآنی به تبیین ساختارهای اجتماعی می‌پردازند و تلاش دارند زنان را به عنوان اعضای فعال جامعه معرفی کنند. به عنوان نمونه، آیه «الرِّجَالُ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ...» (نساء: ۳۲) بر استقلال اقتصادی زنان تأکید می‌کند. ب) تمایز گفتمان اسلامی از سایر گفتمان‌ها: قرآن تلاش می‌کند با تأکید بر حقوق زنان در موضوعاتی مانند ارث و مشارکت اجتماعی، گفتمان جاهلی را که زنان را محروم می‌کرد، طرد کند. آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره: ۲۲۸) به تعادل حقوق و مسئولیت‌های زنان و مردان اشاره دارد.

۵-۱-۳-۴. بازتاب اجتماعی آیات در تغییر نگرش‌ها

الف) تقویت گفتمان دینی: قرآن با تأکید بر حقوق و مسئولیت‌های زنان، تلاش دارد جایگاهی انسانی برای آنان قائل شود. تفاوت در حقوق ارث و شهادت، بر اساس مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی تبیین شده است. به عنوان نمونه، آیه «...وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ...» (بقره: ۲۲۸) بر مبنای نقش اقتصادی مردان در خانواده توجیه شده است.

ب) چالش با گفتمان‌های رقیب: آیات قرآنی در برابر انتقادات گفتمان‌های سکولار و فمینیستی تلاش دارند تفاوت نقش‌های زن و مرد را بر اساس عدالت اسلامی و شرایط اجتماعی توضیح دهند. این گفتمان، با استناد به آیات، نگرش جاهلی را رد کرده و حقوق جدیدی برای زنان تعریف نموده

است. این تحلیل نشان می‌دهد که گفتمان قرآنی، با بازتعریف نقش زنان تلاش دارد تا ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، ساختارهای اجتماعی را به گونه‌ای متعادل بازسازی کند.

۲-۳-۴. مفصل‌بندی گفتمان اسلامی در موضوع عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد

در مطالعه گفتمان‌های مرتبط با زن و نقش او با هویت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، می‌توان از چارچوب نظری لاکلا و موفه برای تحلیل تقابل میان گفتمان‌هایی بهره برد که از یک سو بر مفاهیمی چون: خانواده محوری، پاکدامنی، کرامت انسانی، استقلال‌مندی و عدالت جنسیتی و ... تأکید دارند و از سوی دیگر، در تضاد با گفتمان‌هایی قرار می‌گیرند که نظام خانواده را نادیده گرفته، شهوت‌گرایی را ترویج کرده، و کرامت زنان را مخدوش می‌کنند. در این منازعه، هر یک از این گفتمان‌ها می‌کوشند دال‌های شناوری مانند ارزش، استقلال، عدالت و ... را در حوزه دلالی خود تثبیت کنند و مانع ورود معانی رقیب به آن‌ها شوند.

بر این اساس، تحلیل گفتمان لاکلا و موفه این امکان را فراهم می‌آورد که نحوه شکل‌گیری و تثبیت معانی در این رقابت گفتمانی بررسی شده و نشان داده شود که چگونه گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند از طریق ایجاد پیوندهای معنایی میان مفاهیم کلیدی، هژمونی خود را در عرصه اجتماعی و فرهنگی تثبیت کنند. بررسی دال‌های این دو گفتمان، همراه با تحلیل آن‌ها، نشان می‌دهد که چه مفاهیمی در زمره دال‌های شناور قرار دارند و معنای آن‌ها تحت تأثیر کشمکش‌های گفتمانی شکل می‌گیرد. در این میان، هر گفتمان می‌کوشد معنای این دال‌ها را در راستای منافع خود تثبیت کند و از ورود معانی رقیب به حوزه دلالتی آن‌ها جلوگیری نماید.

۱-۲-۳-۴. مفصل‌بندی گفتمان عدالت جنسیتی و اشتراک زن و مرد

الف) دال مرکزی گفتمان اسلامی: عدالت جنسیتی و برابری زن و مرد

دال‌های فرعی:

خلقت واحد زن و مرد (نفس واحد) ← زن و مرد از یک حقیقت خلق شده‌اند و در انسانیت یکسان‌اند.

برابری در پاداش و مجازات ← معیار ارزش‌گذاری در پیشگاه الهی، ایمان و عمل صالح است، نه جنسیت.

کرامت انسانی مشترک ← زن و مرد هر دو کرامت ذاتی دارند و شأن انسانی آنان محترم است.

استقلال اقتصادی زنان ← زنان حق مالکیت، ارث، و کسب درآمد دارند.
 حق مشارکت اجتماعی و سیاسی ← زنان در هجرت، بیعت و مسئولیت‌های اجتماعی شریک‌اند.
 حق انتخاب در ازدواج و طلاق ← زنان در انتخاب همسر و زندگی زناشویی دارای حق و اختیارند.
 تفاوت نقش‌ها بدون برتری جنسیتی ← زن و مرد نقش‌های متمایزی دارند، اما این تمایز به معنای برتری یکی بر دیگری نیست.

رد مالکیت مرد بر زن ← ازدواج یک قرارداد شرعی و انسانی است، نه رابطه مالک و مملوک.
 نفی ظلم جنسیتی ← ظلم به زنان، از جمله قتل دختران و اجبار در ازدواج، نهی شده است.
 تعدد زوجات مشروط و محدود شده ← قرآن شرایطی سخت‌گیرانه برای چندهمسری قائل شده و عدالت را شرط آن قرار داده است.

حق برخورداری از حقوق مالی (نفقه و مهریه) ← زنان حق دریافت نفقه، مهریه و استقلال مالی دارند.

اصول عفاف و حجاب ← حفظ عفت و پوشش برای هر دو جنس توصیه شده است، نه صرفاً زنان.
 نهی از تبعیض در رفتار خانوادگی ← در رفتار والدین با فرزندان و در تقسیم ارث، عدالت مورد تأکید است.

ب) دال مرکزی گفتمان جاهلی: برتری مرد بر زن و حذف زنان از عرصه اجتماعی دال‌های فرعی:

زن به عنوان دارایی مرد ← زنان در جامعه جاهلی مانند اموال مردان محسوب می‌شدند.
 قتل دختران (وَأُذِ) ← تولد دختران ننگ محسوب شده و برخی قبایل دختران خود را زنده به گور می‌کردند.

محرومیت از ارث ← زنان از حق ارث بردن اموال پدران و همسران خود محروم بودند.
 ازدواج اجباری و بدون رضایت زن ← زنان بدون اختیار و اغلب در سنین پایین به ازدواج درمی‌آمدند.
 چندهمسری نامحدود ← مردان می‌توانستند بدون محدودیت و شرایط خاص، همسران متعدد اختیار کنند.

محرومیت زنان از مشارکت اجتماعی و سیاسی ← زنان از بیعت، هجرت و تصمیم‌گیری‌های عمومی کنار گذاشته می‌شدند.

نابرابری در ارزش انسانی ← مردان ارزشمند و زنان ناتوان، فرودست و نیازمند سرپرستی تلقی می‌شدند.

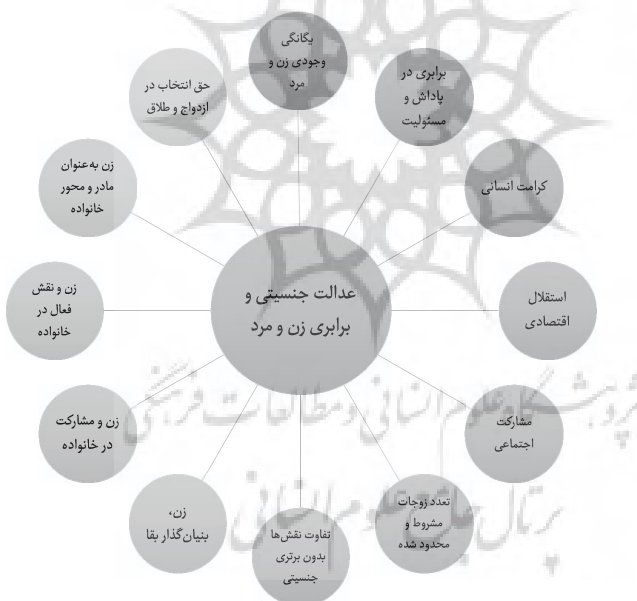
محدودیت حقوق مالی و اقتصادی زنان ← زنان حق مالکیت مستقل نداشتند و اموال آنان به مردان تعلق می‌گرفت.

محرومیت از حق طلاق ← تنها مردان می‌توانستند زنان را طلاق دهند و زنان هیچ حقی در این زمینه نداشتند.

تبرج و بهره‌کشی از زنان ← زنان در برخی موارد صرفاً ابزار لذت مردان تلقی می‌شدند. قیمت‌گذاری بر زنان در ازدواج (مهر به عنوان خرید زن) ← مهر در جامعه جاهلی به عنوان قیمت خرید زن در ازدواج محسوب می‌شد.

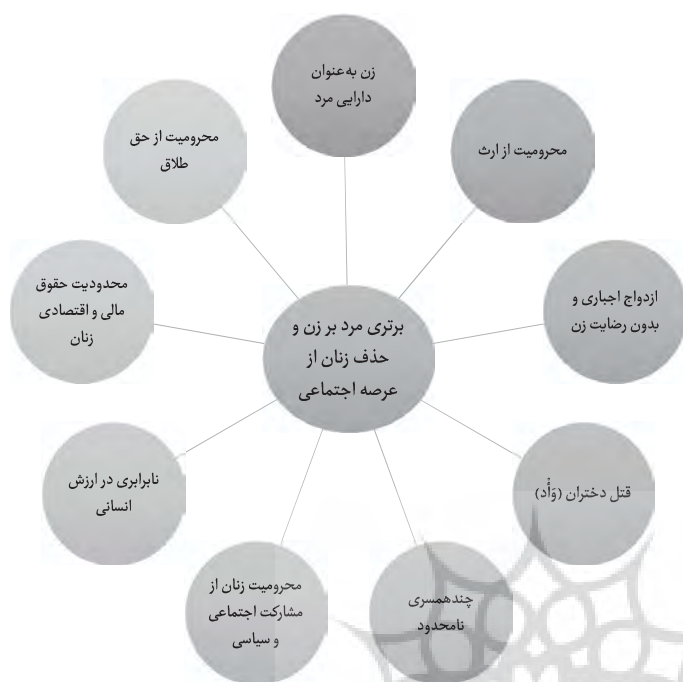
عدم پذیرش شهادت زنان در محاکم قضایی ← زنان حق شهادت در بسیاری از دعاوی حقوقی را نداشتند.

نمودار ۴: دال مرکزی و دال‌های فرعی در گفتمان زن و عدالت جنسیتی/گفتمان اسلامی



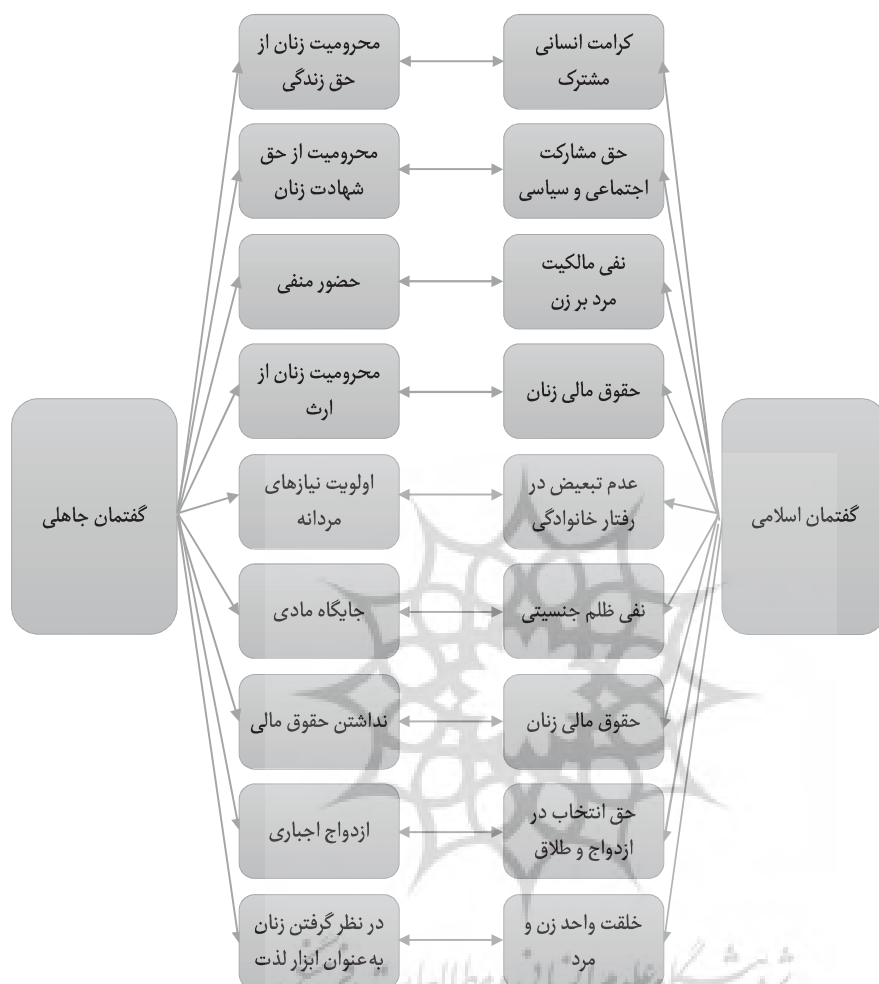
نمودار ۵: دال مرکزی و دال‌های فرعی در گفتمان برتری مرد بر زن و

حذف زنان از عرصه اجتماعی (گفتمان پیشااسلامی و جاهلی)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۶: رابطه گفتمانی: عدالت جنسیتی و برابری زن و مرد /
برتری مرد بر زن و حذف زنان از عرصه اجتماعی



نموار ۷: جدول دال شناور: عدالت جنسیتی و برابری زن و مرد /
برتری مرد بر زن و حذف زنان از عرصه اجتماعی



۵. نتیجه‌گیری

این مقاله، با بررسی گفتمان‌سازی هویت زن در قرآن کریم تلاش کرد تا نشان دهد گفتمان قرآنی، به عنوان گفتمانی الهی و اجتماعی، از ظرفیت بالایی برای بازتعریف نقش‌ها و جایگاه زنان در جامعه برخوردار است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قرآن با استفاده از زبان و مفاهیم گفتمانی، به چالش کشیدن گفتمان پیشااسلامی و ارائه بدیلی بر اساس عدالت جنسیتی، کرامت انسانی و برابری در حقوق و مسئولیت‌ها، بستری برای تحولات اجتماعی و فرهنگی فراهم کرده است.

قرآن کریم، برخلاف گفتمان جاهلی که زنان را فاقد ارزش و جایگاه مستقل می‌دانست، زن و مرد را از نظر گوهر انسانی برابر می‌داند و با تأکید بر وحدت وجودی و یگانگی آنها در خلقت، زمینه‌ساز نفی هرگونه برتری ذاتی میان جنسیت‌ها شده است. این متن الهی با ارائه ارزش‌هایی نظیر کرامت انسانی، عدالت جنسیتی، و برابری در پاداش و مسئولیت‌ها، گفتمانی نوین ایجاد کرده که همواره در تضاد با گفتمان‌های تبعیض‌آمیز پیشین بوده است.

از منظر حقوقی، قرآن با اعطای حقوق اقتصادی، نظیر استقلال مالی و حق ارث، جایگاه زنان را در جامعه تقویت کرده و مشارکت اجتماعی و سیاسی آنها را به رسمیت شناخته است. همچنین با تأکید بر نقش زنان در بنیان‌گذاری خانواده و تربیت نسل‌ها، بر اهمیت مشارکت آنها در شکل‌دهی به جامعه تأکید می‌کند. این رویکرد، نشان‌دهنده تلاشی است که قرآن برای اصلاح نگرش‌های تبعیض‌آمیز و تحکیم پایه‌های یک جامعه عادلانه انجام داده است.

از سوی دیگر، تحلیل گفتمان انتقادی نشان می‌دهد که قرآن، با برجسته‌سازی اصول اخلاقی و اجتماعی خود، به بازتولید گفتمان اسلامی و تقابل با گفتمان‌های رقیب پرداخته است. این گفتمان‌ها شامل گفتمان پیشااسلامی با تمرکز بر تبعیض‌های جنسیتی و گفتمان‌های معاصر مانند سکولار و فمینیستی است که گاه به تفاوت‌های موجود در احکام اسلامی انتقاد دارند.

درمجموع، گفتمان قرآنی در رابطه با هویت زنان، نه تنها به چالش کشیدن گفتمان‌های نابرابر پیشین را دنبال نموده؛ بلکه با خلق نظام معنایی نوین، ارزش‌های انسانی و اجتماعی جدیدی را به جامعه عرضه کرده است. این گفتمان، با ترکیب عدالت، برابری و کرامت انسانی، الگویی برای تعامل میان جنسیت‌ها و ارتقای جایگاه زنان در جوامع اسلامی ارائه می‌دهد.

فهرست منابع

قرآن کریم

متن مقدس

الف) فارسی

۱. آفاگل زاده، فردوس و غیاثیان، معصومه (۱۳۸۶ش)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، مجله زبان و زبان شناسی، سال سوم، ش ۵، ص ۳۹-۵۴.
۲. احمدیه، مریم (۱۳۹۰ش)، «معاشرت به معروف»، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، ش ۵۲، ص ۱۸۵-۲۲۳.
۳. بهرامی، محمد (۱۳۸۵ش)، «درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۴۸، ص ۷۷-۴۲.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۸ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶. نقیسی، ابوالقاسم و زمانی، زری (۱۳۹۰ش)، «نقش وفاداری در اعتمادآفرینی و راهبردهای توسعه آن در نهاد خانواده با رویکرد به آیات و روایات»، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۳، ش ۵۲، ص ۷-۵۳.
۷. ون دایک، تئون (۱۳۸۲ش)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، ترجمه: پیروز ایزدی. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها).
۸. آل بویه لنگرودی، عبدالعلی و نظری، علیرضا (۱۳۹۱ش)، «هم‌آیی واژگانی و نقش آن در انسجام خطبه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، سال اول، ش ۳، ص ۲۵-۴۶.

ب) عربی

۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۵۲ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.

ج) انگلیسی

1. Birch, D. (1989). *Language, literature, and critical practice*. London: Routledge.
2. Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
3. Fairclough, N. (1995). *Critical discourse analysis: The critical study of language*. London: Longman.
4. Fairclough, N. (2001). *Language and power* (2nd ed.). London: Routledge.
5. Fowler, R. (1996). *Linguistic criticism* (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
6. Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
7. Kress, G., & Hodge, R. (1979). *Language as ideology*. London: Routledge & Kegan Paul.
8. Simpson, P. (1993). *Language, ideology, and point of view*. London: Arnold.
9. Van Dijk, T. A. (1995). Discourse analysis as ideology analysis. In C. Schäffner & A. Wenden (Eds.), *Language and peace* (pp. 17-33). Aldershot: Dartmouth.
10. Van Dijk, T. A. (1997). *Discourse studies: A multidisciplinary introduction*. London: Sage.